

زمان وحشت

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Haunting Hour

By

R. L. Stine

First Parachute Publishing Printing, 2001

Printed in the U.S.A.

- | | |
|--------------------|--|
| سرشناسه | : استاین ۱۹۴۳-م Stine, R. L. |
| عنوان و پدیدآور | : زمان وحشت / نویسنده آر. ال. استاین؛ مترجم دلارام کارخیران. |
| مشخصات نشر | : تهران : ویدا. ۱۳۸۶ |
| مشخصات ظاهری | : ۱۶۰ ص. |
| شابک | : ۱۷۰۰۰ ریال: 978-964-2912-29-2 |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیا |
| یادداشت | : عنوان اصلی: HAUNTING HOUR / C2001 |
| موضوع | : داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰ م |
| موضوع | : داستان های وحشت آفرین آمریکایی -- قرن ۲۰ م |
| شناسه افزوده | : کارخیران، دلارام، مترجم. |
| شناسه افزوده | : ملک‌یاری، مسعود؛ ویراستار. |
| رده‌بندی کنگره | : ۱۳۸۶ ج۲ ۲۱۴ س PS ۳۰۰۲ |
| رده‌بندی دیویی | : [ج] ۸۱۳/۵۴ |
| شماره کتابخانه ملی | : ۱۰۳۵۲۳۳ |



نشر ویدا

زمان و حشمت

نویسنده: آر. ال. استاین
 مترجم: دلارام کارخیران
 ویراستار: مسعود ملک یاری
 اجرای روی جلد: لیلا مدیحی
 حروفچینی: امید
 لیتوگرافی: نقره آبی
 چاپ: پیمان
 صحافی: پیمان
 چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶
 شمارگان: ۳۳۰۰
 قیمت: ۱۷۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۲-۲۹-۲

ISBN 978-964-2912-29-2

حق چاپ و نشر محفوظ است.

نشر ویدا

تهران، سعادت آباد، نیش خیابان شانزدهم، ساختمان کاخ، واحد ۱۴

تلفن: ۰۲۲۳۷۰۴۹۹ - ۰۲۲۳۷۳۴۴۲ - ۰۲۲۳۷۳۴۴۲ - ۰۲۲۳۷۳۴۴۲ - ۰۲۲۳۷۳۴۴۲

info@vidabook.ir

www.vidabook.ir

پخش کتاب ویدا

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخرآفرین، کوی انوری، پلاک ۲

۶۶۹۷۴۷۲۸-۶۶۴۸۶۱۰۴

فهرست

مهرمانی لغالوین ۵

پرستار بد بچه ۲۳

انتقام آدم برفی ۴۲

چطور می توان با يك از دلها معامله کرد ۵۲

روبای مومیایی ۷۱

آیا ما هنوز آگاهییم؟ ۸۴

مرا با خودت ببر ۱۰۱

دوست خیالی من ۱۱۵

بازنده‌ها ۱۲۷

می توانی مرا نقاشی کنی؟ ۱۴۵

The Halloween dance «مهمانی هالووین»

مقدمه

من همیشه می‌خواستم تا جای ممکن در هالووین بترسم. دلم می‌خواست که لباس یک شبح یا مومیایی یا اسکلت را بپوشم. اما پدر و مادرم به خرید رفتند و با لباس سگ برگشتند.

یک لباس سفید گشاد که یک دم زرد هم به آن چسبیده بود. در آن شب هالووین من خجالت کشیدم که از خانه بیرون بروم.

به دوستانم گفتم که من یک سگ خون‌آشام هستم. اما آن‌ها حرفم را باور نکردند. آن‌ها تمام شب من را مسخره کردند و به من خندیدند. آن شب بدترین هالووین زندگی من بود.

من آن شب وحشتناک را موقع نوشتن این داستان به یاد آوردم.

این داستان درباره‌ی دو پسری است که می‌مردند برای یک هالووین ترسناک. ولی با وحشتناک شدن شرایط دیگر این‌نظر را نداشتند.

خوبی زبده بودی، تا سرحد مرگ ترسیده بودم، و به واژه‌هایی
گوش می‌کردم که امیدوار بودم. هرگز آن‌ها را نشنوم! مادرم
می‌گفت: «ما مهمانی هالووین را در خانه‌ی خودمان برگزار می‌کنیم.
فوق‌العاده است، مگر نه؟»

با ناراحتی گفتم: «ولی من و دوستانم می‌خواستیم هالووین را
بیرون از خانه بگذرانیم.»

پدرم گفت: «مارک، تو می‌توانی همه‌ی دوستانت را به خانه
دعوت کنی، بهتر نیست؟»

«بهتر نیست؟ چرا باید کسی در هالووین به فکر بهتر بودن یا
نبودن شرایطاش باشد؟»

مادرم دستش را در موهایم فرو برد، کاری که از آن متنفر بودم،
و اضافه کرد: «همه‌ی همکلاسی‌هایت را دعوت کن.»

مادیسون^۱، درحالی‌که مثل یک میمون بالا و پایین می‌پرید و کف
می‌زد، گفت: «می‌شود من هم همه‌ی دوستانم را دعوت کنم؟»

مادرم گفت: «البته!»

«اوه! معرکه است.»

گفتم: «ما سیزده ساله‌ایم، دوستان من از هم‌نشینی با یک مشت
جوجه‌ی هشت ساله، لذت نمی‌برند.»

همیشه مجبور بودم با مادیسون راه بیایم! پدر و مادرم، من را
وادار می‌کردند تا مادیسون را به باغ‌وحش بچه‌ها ببرم، یا برای
جشن تولدش، مثل دلقک‌ها لباس بپوشم.

1- Mark

2- Madison